

نگرانم پس نامزد

عباس عبدي

يك گزاره تكراري در هنگام اعلام نامزدي «ابراز نگراني نسبت به سرنوشت ايران و کشور» بود. البته طبيعي بود که برخي از نامزدهاي شاخص اصولگرايان و حاميان وضع موجود از اظهار اين گزاره اجتناب کنند، ولي در مجموع اين رویکرد نزد اغلب نامزدهاي اصلي رایج بود. شاید متولیان رسمي امور، چنین رفتاري را توجیه کنند که اينها حرفهاي انتخاباتي است و با هدف جلب رأي گفته ميشود و واقعيت ايران را نميگويد. فرض کنیم چنین باشد. چرا بايد نظر مردم را از طريق اين شعار به دست آورد؟ اگر مردم، همراه با اين شعار و معتقد به آن نباشند، طبيعي است که کسي به آن توجه نخواهد کرد. مثل تبليغ براي فروش يخ در قطب شمال است که کسي آن را نميخرد چون نيازي ندارد. بنا بر اين همين که چنین شعاري خريدار دارد، به معنای جدي بودن مفهوم و مصداق آن نزد مردم است. شواهد عيني براي درستي چنین گزاره‌اي فراوان است، هم در حوزه سياست داخلي اين شواهد وجود دارد، هم در اقتصاد، سياست خارجي، اجتماعيات و فرهنگ و حتي امنيت است، بيان تکرار شواهد آن ملال‌انگيز است، ولي ذکر يك نکته مهم است. چرا رغبت به انتخابات در ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ خيلي کمتر از انتظار رسمي بود؟ اگر اين شعار و گفتار نزد مردم مقبوليت دارد، به نحوي که نامزدهاي انتخاباتي مي‌کوشند با بيان آن، نظر موافق مردم را جلب کنند، پس چرا مردم نمي‌کوشند که با مشارکت انتخاباتي و انتخاب نامزد مورد نظرشان، اين خطر را برطرف کنند؟ ترکیب اين دو گزاره نشان مي‌دهد که يا به شعاردهندگان اعتمادي ندارند يا امکان انتخاب آنان را براي خود منتفي ميدانند و يا اختيارات آنان را براي رفع خطر کافي نميدانند والا هيچ دليل ديگري براي عدم حضور مردم در پاي صندوقهاي رأي وجود ندارد. چون مردم بيش از همه و به‌ويژه بيش از مديران رسمي نگران آینده کشور و فرزندان خود هستند.

بنا بر اين فارغ از اينکه نگراني مزبور تا چه اندازه واقعيت داشته باشد وظيفه حکومت است که به اين نگراني که بازتابي از نگراني مردم است، توجه کند و در مقام رفع آن برآيد، زيرا مردم بر اساس همين نگاه خود عمل مي‌کنند، حتي اگر اين نگاه درست نباشد - که

البته به نظر من نیز درست است - زیرا به جز شواهد عینی، بخش‌های گسترده‌ای از جامعه با این گزاره همسو و هم‌نظر هستند. بنابراین برای روشن شدن ماجرا همه نامزدهای انتخاباتی باید به این پرسش پاسخ بدهند که آیا با ادامه وضع موجود، نگران ایران و آینده آن هستند یا خیر؟ اگر پاسخ خیر است، یعنی با ادامه سیاست‌های کنونی هیچ نگرانی ویژه‌ای از آینده کشور ندارند؟ این را مردم باید متوجه شوند که نسبت هر نامزدي با سیاست‌های جاری در سه سال گذشته چیست؟ ولي اگر برای آینده ایران نگران هستند، آنگاه باید توضیح بدهند که چه چیز آنان را نگران کرده است؟ چرا این مساله نگران‌کننده است؟ سیاست‌ها و برنامه‌های او برای رفع این نگرانی چیست؟ همچنین در میان انواع مسائل و موضوعات نگران‌کننده، اولویت را به کدام‌ها می‌دهد؟ باید در این باره فراتر از وعده دادن، برنامه روشن دهد و مشخص کند که آیا این وعده در چارچوب اختیارات و امکانات ریاست‌جمهوری هست یا خیر؟ با کدام نیروی سیاسی و اجتماعی می‌خواهد این مسائل را حل کند؟ یکی از علل مهم عدم مشارکت مردم در انتخابات همین وعده‌های غیرشفاف و فراتر از امکانات و توانایی‌های قانونی رییس‌جمهور است که در عمل نیز اجرایی نمی‌شود. به همین علت است که بسیاری از مردم معتقدند، فرق نمی‌کند که چه کسی رییس‌جمهور شود؛ چون اصلاح روندهای جاری در کشور فراتر از اختیارات رییس‌جمهور است. امیدواریم که این انتخابات شرایطی را فراهم کند که حداقل بخشی از نگرانی‌های مردم نسبت به آینده ایران برطرف شود.

منبع: روزنامه اعتماد 19 خرداد 1403 خورشیدی □□